اعتیاد؛ بلای خانمانسوز

محمدرضا آل‌ابراهیم

شخص معتادی که اعتیاد را بر کناری نهاده است می‌گوید: «از این که زمانی معتاد بودم، از خودم، فرزندانم و مردم اجتماعم خجالت می‌کشم.»

به‌روشنی آشکار است که اعتیاد یک مُصیبت اجتماعی است. انسان باید خیلی هوشیار باشد تا در دامنِ این بلای خانمانسوز نیفتد. عوامل بسیاری در به‌انحراف کشیده شدنِ جوانان بسوی اعتیاد مؤثرند. یکی از این عامل‌ها، دوستِ به‌ظاهر مُصلح ولی در عمل خلافکار است. بیکاری و گوشه‌نشینی عاملِ دیگری است. سرخوردگی‌ها و ناکامی‌ها هم بی‌تأثیر نیست. شستِ با بزرگترانِ از خود چه به‌لحاظ وضعِ مالی و چه از لحاظِ موقعیّتِ اجتماعی می‌تواند در به انحراف کشیدن نوجوانان و جوانان مؤثر باشد. نوجوان فکر می‌کند که نشست و برخاست با آدم‌هایی که به‌نوعی از خود بزرگ‌ترند، راهِ ثواب را در پیش گرفته‌اند و ناخواسته از کار و کردارِ آنان تبعیت می‌کند، غافل از این که همه‌ی کارِ آن بزرگانِ صحیح و سالم نیست و زمانی متوجه می‌شویم که جز اعتیادِ آن کهنسالان چیزی عایدِ آن نوجوان نگردیده است.

پس باید از تفخُرِ نابه‌جا پرهیز کنیم و نگذاریم جوانان، همنشین و هم‌جلسه‌ی آن عزیزان گردند. اگر هم به‌نوعی در زندگی‌شان دخیل‌اند، سعی کنند تا روش و مَنِشِ پسندیده و ارج‌نهاده شده‌ی آن بزرگان را کسب کنند، نه راه‌های انحرافی‌شان.

به‌خوبی می‌دانیم که پیشگیری بهتر از مُداوا کردن است. نخستین فردی که یک پُک سیگار را به دوستش ارزانی می‌دارد، بی‌خبر از تمام عواقبِ شومِ آن، مسیرِ زندگی سالمِ آن فردِ غیرِ سیگاری را تغییر می‌دهد.

در زندگی با دوستانِ بسیار صمیمی حَشر و نَشر داشته‌ایم. برای‌مان از برادر بهتر بوده‌اند، ولی نمی‌دانسته‌ایم که کانالی که ناخواسته برای ما احداث کرده‌اند، زمانی سر از اعتیاد و هزاران بدبختی ناشی از اعتیاد درمی‌آوریم. آن‌گاه است که متوجه خطراتی که با آن روبه‌رو هستیم، می‌گردیم که دیگر کار از کار گذشته است.

یکی از شرمندگی‌های اجتماعی همین‌که فرضاً فرزندِ آدم در مدرسه‌ی تیزهوشان پذیرفته می‌شود و فرزند با آن همه امیدِ به‌آینده و خوشحالی از قبولی در بهترین مدارس، از آمدنِ پدرش در مدرسه و حتّی جلو سرویسی که دانش‌آموزان را به‌مدرسه می‌برد، شرم دارد و اگر توانِ گفتن ندارد که: «پدر! خود را با من همراه نکن!» ولی در ضمیرِ ناخودآگاه و در جلو دوستانش دچارِ نوعی بیزاری و یأس می‌کند که می‌تواند در روندِ رشدِ تحصیلی‌اش ناکارآمد باشد.

انسانِ معتاد نزدِ خانواده و فرزندانش سرافکنده است.

برخی از معتادان به موادِ مخدر که به‌خود آمده‌اند و از چنگالِ بی‌رحمِ اعتیاد رهایی یافته‌اند، متأسفانه به الکل روی آورده‌اند که خود نوعی اعتیادِ دیگری است. انسانِ پاک، انسانی است که فارغ از هرگونه اعتیاد، اَعَم از موادِ مُخدّر با انواع و اقسامِ شکل‌هایش، موادِ الکلی و سیگار و هر گونه عاملِ تخدیرکننده‌ی دیگری باشد.

پس بکوشیم تا در جهانی زندگی کنیم که از هرگونه موادِ سرگردان‌کننده به‌دور باشیم و خدمتگزارِ خانواده، مردمِ فهیم و اجتماعِ سالم‌مان باشیم.

یکی از اهدافِ پلیدِ کشورهای استکباری، به‌اعتیادکشاندنِ مردمانِ کشورهای جهان سوم است. راه‌های گوناگونی را در پیش می‌گیرند تا به‌نیّاتِ کثیفِ خود برسند. این‌جاست که ما می‌بایست با هوشیاریِ کامل، نقشه‌ی شومِ آن جهانخواران را نقشِ بر آب کنیم.

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۵۰

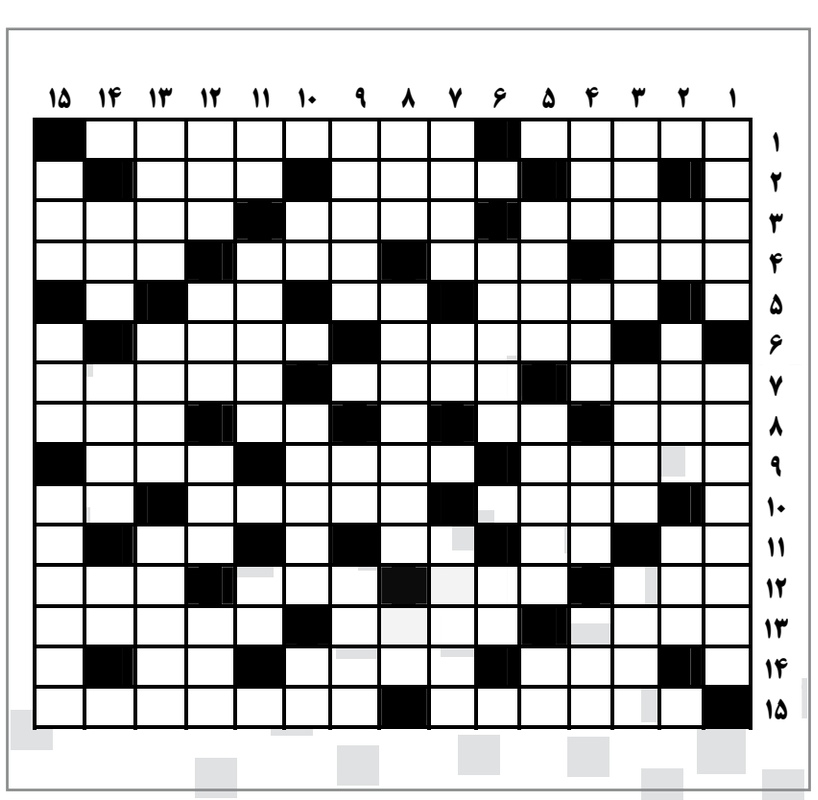

افقی:
۱-بیضی دو تا دارد، دایره یکی- بین کودکان و نوجوانان
۲-خاندان- تنهایی- برانگیختگی
۳-اصرار و پافشاری- اطمینان قلبی- مؤسس
۴-از ادات تنبیه- آب ذوب فلز را گویند- گذرگاه- گرو
۵-از شاعران قرن نهم هجری- شاه کوچک شده- همکار سوزن
۶-خالی از سکنه- خوردنی نوروزی
۷-پیک- متخصص- ابزار
۸-ذکر- تکخال- یکصد مترمربع- زینت ناخن
۹-ملیح- رویان- وسیله پرواز
۱۰-از سایت‌های معروف- برابر و هم‌اندازه- مخفف هوش
۱۱-دست نخورده و نو- پاسخ منفی- نیکی- نفس
۱۲-چین و چروک صورت- روزی- رشته‌کوهی آمریکایی- از توابع استان مرکزی
۱۳-احمق- نقدکننده- از درجات نظامی
۱۴-همیشه- کشوری آفریقایی- یا
۱۵-نوعی حکومت- طلب بخشش

عمودی:
۱-زشتی- اثری از ویکتور هوگو
۲-حرف همراهی- اثر نمایشی- سختی
۳-از مرکبات- قطعه پشت دستی خودرو- دردها
۴-دوستی- از شهرهای قدیمی که هم اکنون به دیار بکر معروف است- شیر و اسب دارند- بخشش
۵-بدگویی- جمع نهر- مادر ورزش‌ها
۶-عامل بیماری- همسر مرد
۷-دارای نجابت- تعجب زنانه- خواربار فروشی
۸-برگ- به نوعی نقل عروسی می‌گویند- استفراغ
۹-مونس زن- اولین عدد- جمع ادیب
۱۰-رطوبت- اشرف مخلوقات- سوره‌ای قرآنی
۱۱-مایه حیات- آزرده شده- اطراف چاه می‌چینند
۱۲-بازی- آغشته به آب- زندان- دشت و چمن
۱۳-جمع اثر- نامی زنانه- از اصطلاحات موسیقی
۱۴-بازداشتن- گل حماسی- قیمت
۱۵-انجیر- از مصالح ساختمانی- بزرگترین نویسنده انگلیسی

جواب جدول شماره ۹۴/۷۴۸

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۲۴

2			9					7
	8	5		4	7		3	
7				3	8	9		
		1	8				9	
	7	2		9		1	8	
	9				3	5		
		8	5	2				9
	4		3	6		2	5	
5					1			3

جواب جدول شماره ۹۴/۲۲۳

4	3	2	1	8	5	7	9	6
9	1	5	7	4	6	2	3	8
7	8	6	2	9	3	1	5	4
6	2	1	8	5	4	9	7	3
8	9	3	6	2	7	5	4	1
5	4	7	3	1	9	6	8	2
3	6	4	5	7	2	8	1	9
2	5	8	9	3	1	4	6	7
1	7	9	4	6	8	3	2	5

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره طارق

یعنی خداوند متعال ملائکه‌ای دارد که نفس و حقیقت جان و من واقعی آدمی را از بدن تحویل می‌گیرند و بعد هم این حقیقت محفوظ است و از بین نمی‌رود.

الله یتوفی الانفس حین موتها و التی لم تمت فی منامها فیمسک التی قضی علیها الموت و یرسل الاخری الی اجل مسمی.

می‌فرماید: حقیقت جان انسان و من انسان (نه حیات مکانیکی بدن) در حال خواب و حال مرگ گرفته می‌شود، منتها کسی که حکم الهی، مردن اوست، حقیقت جانش نگه داشته می‌شود و کسی که حکم الهی، خواب بودن اوست، بار دیگر حقیقت جانش فرستاده می‌شود.

و یا اینکه مقصود از حفظ نفس در این آیه، حفظ اعمال است، که این هم از آیات دیگر قرآن استنباط می‌شود. یعنی مقصود این است که نه تنها ذات هر نفسی حافظ دارد، بلکه اعمالش هم حافظ دارد.

در سوره انفطار می‌فرماید: و ان علیکم لحافظین. کراما کاتبین. بر شما حافظان و نگهبانانی است و آنها نویسندگانی بزرگوار هستند. یعنی نه تنها ما محفوظ هستیم، تمام اعمال ما هم اعم از نیک و بد محفوظ است.

از اینجا تناسب قسم به آسمان و آینده و ظاهرشونده در شب (یعنی ستاره غایب شده و بعد ظاهر شده در شب) با مقسم علیه که آیه ان کل نفس لما علیها حافظ می‌باشد، روشن می‌شود.

یعنی شما خیال می‌کنید وقتی مردید، نیست و نابود می‌شوید و دیگر در صفحه این عالم و آسمان این عالم برگشت و طلوع دوباره‌ای ندارید، ولی اشتباه می‌کنید. همانطور که آن ستاره که غروب می‌کند، از چشم شما غروب کرده و پنهان شده ولی معدوم نشده است، هر مرگی غروبی است و این غروب پشت سرش طلوعی هست.

از نظر اعمال انسان نیز مطلب همین طور است. اعمال انسان در دید دنیایی یک سلسله امور گذشته و فراموش شده و تمام شده‌ای است که پرونده‌اش به کلی بسته شده است ولی از نظر الهی آیا کاری و عملی هست که پرونده‌اش به کلی بسته شود؟

غروب کند و دیگر طلوعی نداشته باشد؟ هرگز، بلکه تمام اعمال انسان مثل ستاره‌هایی که بعد از مدتی پنهان شدن دوباره در شب در فضای آسمان طلوع می‌کنند، در فضای معنوی و روحی و نفسانی انسان، روزی طلوع خواهند کرد و تمام گذشته‌ها دوباره زمان حاضر می‌شوند و بروز می‌کنند.

پس شما قصه این ستاره‌ای را که غروب کرده و مخفی شده و در شب دوباره ظاهر می‌شود و سر از افق برمی‌آورد، نمونه‌ای بگیرید در نظام عالم برای خودتان و اعمال خودتان.

استدلال بر معاد با تنظیر از وجود انسان

بعد از اینکه با این تشبیه و تمثیل مطلب بیان شد، با یک تنظیر از وجود خود انسان باز بر همین موضوع قیامت و معاد استدلال می‌فرماید. فلینظر الانسان مم خلق.

این انسان اگر نمی‌خواهد از این طلوع و غروب‌ها به طلوع و غروب خودش پی ببرد، از مراحل گذشته زندگی خودش که می‌تواند چیز بفهمد. به گذشته خودت نگاهی کن تا وقتی خدای متعال در کتاب آسمانی، آینده‌ات را بیان می‌کند، استبعاد نکنی و به نظرت عجیب نیاید.

این انسان در این احسن‌التقویم که وقتی روی زمین می‌آید بزرگترین کتاب الهی است و عالم اکبر است، چه بوده و از کجا شروع شده؟ وقتی ببینید انسان از کجا شروع شده و تا اینجا رسیده و وقتی به قدرت آن قادری که چنین سازنده و آورنده و حرکت دهنده و سیردهنده است پی بردید، دیگر مسئله معاد به نظرتان عجیب نمی‌آید.

فلینظر الانسان مم خلق. انسان دقت کند از چه آفریده شده است. خلق من ماء دافق. آفریده شده از آبی جهنده (مقصود نطفه و منی است). بعد می‌فرماید: یخرج من بین الصلب و الترائب. بیرون می‌آید از میان صلب (مهره پشت) و ترائب (استخوان‌های نرم سینه).

مرجع ضمیر «یخرج» چیست؟

در اینکه ضمیر «یخرج» به چه چیزی برمی‌گردد اقوالی گفته شده. یکی از احتمالاتی که مفسرین در این زمینه داده‌اند این است که ضمیر «یخرج» به انسان برگردد؛ یعنی انسان در حین ولادت از بین صلب و ترائب خارج می‌شود.

در مرحله اول فرمود منشأ خلقت انسان یک آب جهنده است و در اینجا می‌فرماید بعد که این نطفه در رحم به صورت یک انسان درآمد، از میان پشت و پهلوهای زن خارج می‌شود (چون در مدتی که در رحم است، از یک طرف استخوان‌های پشت زن او را احاطه کرده است و از طرف دیگر استخوان‌های پهلو و سینه زن، و استخوان‌ها مثل ستون‌هایی هستند که او را حفظ می‌کنند.)

پس اگر ضمیر «یخرج» را به انسان برگردانیم، در این آیات دو مرحله ذکر شده است: یکی مرحله نطفه و دیگری مرحله خروج از رحم. در این صورت معنی آیه خیلی روشن است.